

به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

با به پایان رسیدن فصل تابستان و آغاز پائیز، بیش از هفده میلیون تن از دانش آموزان کشورمان راهی مدارس شدند تا سال تحصیلی 83-84 را با هزار آرزو آغاز کنند. این در شرایطی رخ میدهد که میلیونها کودک و نوجوان در ایران وجود دارند که یا هرگز پا به محیط آموزش نگذاشته اند و یا مدرسه را پس از چند سال رها می کنند. علت عمده اکثریت کسانی که از ادامه تحصیل محرومند، همانا فلاکت و بحران اقتصادی_اجتماعی موجود و عواملی چون فقر والدین و نیاز آنها به کار و درآمد فرزندان خود می باشد. ضمن اینکه سیاست های آموزشی، فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی نیز سبب کشتن روحیه تحصیلی و رغبت به کسب علم و فن میگردد. این رژیم از یک طرف با حذف بسیاری از متون و دروس علمی و جایگزینی آنها با مشتی خرافات مذهبی و قرون وسطایی، مراکز علم و آموزش را به حجره های جعل و جهل پراکنی مبدل نموده و از سویی دیگر با اعمال شدیدترین سرکوب ها ، جو خفقان آلودی را در مدارس سراسر کشور حاکم کرده است، جوی که هم معلم و هم محصل را از حق آزادی اندیشه، بیان، تشکل و تحقیق و تفحص باز میدارد و محیطی کلیشه ای، سنتی و ناهنجار را بر مراکز آموزشی مستولی می کند. ضمن اینکه بیش از یک میلیون معلم همچون سایر اقشار طبقه کارگر (طبقه مزد و حقوق بگیر جامعه) بدلیل در آمد ناچیز ناشی از شغل حساس و مهم شان، ناگزیر از زندگی چند شغله هستند. این مسئله روحیه و انرژی آنها را به تحلیل میبرد و نه تنها سبب عدم ارتقای توانایی علمی و تعلیم و تربیتی آنها می گردد، بلکه ایشان را حتی از پیشبرد وظایف عادی جاری در مدارس نیز باز میدارد. نتیجه ناگزیر این روند، افت تحصیلی و علمی دانش آموزان است. البته بخشی از خانواده های متوسط و مرفه، با استخدام معلم خصوصی و یا ثبت نام فرزندان خود در مدارس موسوم به غیرانتفاعی سعی در مقابله با این پدیده مخرب می کنند، اما میلیونها دانش آموزی که از خانواده های کارگری و زحمتکش برخاسته اند، ناگزیرند در این محیط آموزشی بحران زده، عقب مانده و کسالت آور سال تحصیلی را به آخر برسانند. چه بسا در همین مسیر ، در نهایت ناامیدی، به ترک تحصیل روی می آورند. آنها البته با چشم خود می بینند که وقتی صدها هزار فارغ التحصیل دانشگاهها ، قادر به پیدا کردن شغلی متناسب با تخصص و مدرک خویش نیستند و وقتی مشاهده می کنند که درصد اشتغال زنان ایران از دوازده درصد تجاوز نمی کند، از خود می پرسند، به چه امیدی دلمشغولی گرفتن دیپلم را بخود راه دهند!؟

بدین ترتیب عظیم ترین قشر اجتماعی کشورمان که در هر جامعه " نرمالی " بعنوان یک قشر آینده ساز، روی آن حساب ویژه ای باز می کنند، از " خیر " سر نکبت جمهوری اسلامی، آینده ای تیره و تار را در برابر خود می بینند. اما این سرنوشت محتوم و تغییر ناپذیر میلیونها کودک و نوجوان کشور ما نیست، آنها می توانند در کنار سایر جنبشهای اجتماعی (جنبش کارگری، جنبش دانشجویی، جنبش زنان و.....) با مقاومت در برابر سیاست های ویرانگر رژیم اسلامی و تقویت صفوف خود و ایجاد تشکل های مستقل در مدارس و محلات، عزم خو را برای پایان دادن به عمر این رژیم آینده سوز دو چندان کنند.

تردیدی نیست که دانش آموزان- بویژه محصلین دبیرستانها در شهرهای بزرگ - بخش مهمی از جنبش عمومی جوانان و مردم کشورمان بر علیه استبداد حاکم را تشکیل میدهند، اما ضروریست

در خود مدارس نیز که امکان ثابت و محیط اجتماعی مناسبی را همچون دانشگاه برای تداوم مبارزه فراهم می‌کند، جنبش و تشکل‌های مستقل دانش‌آموزی را شکل دهند. معلمان پیشرو و محافل و هسته‌های دانش‌آموزان آگاه و مبارز؛ نقش مهمی در این حوزه ایفاء می‌کنند. وظیفه‌ای که اگر با پشتکار و پختگی به آن پرداخته شود، می‌تواند به دو دهه رخوت و رکود سیاسی در مدارس و عقب‌نشینی فاحش جنبش دانش‌آموزی در برابر رژیم، پایان دهد. با امید به شکستن سد اختناق در مدارس و عروج مجدد حرکات اعتراضی دانش‌آموزی، سال تحصیلی پر باری را برای همه محصلین ایران آرزو می‌کنیم.

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

اول مهر ماه 83